

## هوالبهی

ای متشبهت بذیل المیثاق منشور مسطور منظور آمد و سؤالات مفصله ملاحظه گردید ولو آنکه کثرت غوائل چون زهر هلاهل تأثیری در ارکان و اعضا و مفاصل نموده که قلم از تحریر و لسان از تقریر بازمانده و مشاغل بدرجهئی که وصف نتوان نمود ولی نظر بغلیان محبت این عبد بان جناب جواب روحانی مطابق حکم رحمانی در کمال توضیح مختصر و مفید داده میشود و جوامع الکلم در این مقام و موارد مقبول و مطلوب تا بتوضیح و تصریح و تشریح و تلویح و تفسیر و تأویل صد باب از هر بابی از ابوابش باز گردد و الا اوراق آفاق استیعاب ننماید از حکمت حواله بعضی احکام مهمه بیت العدل سؤال نموده بودید

اولاً آنکه این کور الهی صرف روحانی و رحمانی و وجدانی است تعلقی بجسمانی و ملکی و شئون ناسوتی چندان ندارد چنانکه دور حضرت مسیحائی نیز روحانی محض بود و در جمیع انجیل جز حکم منع طلاق و اشاره برفع سبت نبود جمیع احکام روحانی و اخلاق رحمانی بود چنانچه فرمودند ما جاء ابن الانسان لیدین العالم بل لیحیی العالم حال این دور اعظم نیز صرف روحانی و معطی زندگانی جاودانی است زیرا اسّ اساس دین الله تزیین اخلاق و تحسین صفات و تعدیل اطوار است و مقصود این است که کینونات محتجبه بمقام مشاهده فائز گردند و حقائق مظلمه ناقصه نورانی شود

و اما احکام سائره فرع ایقان و ایمان و اطمینان و عرفان است با وجود این چون دور مبارک اعظم ادوار الهیه است لهذا جامع جمیع مراتب روحانیه و جسمانیه و در کمال قوت و سلطنت است لهذا مسائل کلیه که اساس شریعت الله است منصوص است ولی متفرعات راجع بیت عدل و حکمت این است که زمان بر یک منوال نماند تغییر و تبدل از خصائص و لوازم امکان و زمان و مکان است لهذا بیت العدل بمقتضای این مجرا مینمایند و همچو ملاحظه نشود که بیت العدل بفکر و رأی خویش قراری دهند استغفرالله بیت العدل اعظم بالهام و تأیید روح القدس قرار و احکام جاری نماید زیرا در تحت وقایت و حمایت و صیانت جمال قدم است و آنچه قرار دهد اتباعش فرض و مسلم و واجب و محتّم بر کلّ است ابداً مفری از برای نفسی نه قل یا قوم ان بیت العدل الأعظم تحت جناح ربکم الرحمن الرحیم ای صونه و حمایت و حفظه و کلاعه لانه امر المؤمنین بالمطاعه تلك العصبة الطیبة الطاهرة و الثلة المقدسة القاهرة فسلطنتها ملکوتیه رحمانیه و احکامها الهامیه روحانیه باری مقصود و حکمت ارجاع احکام مدنیّه بیت عدل این است و در شریعت فرقان نیز جمیع احکام منصوص نبود بلکه عشر عشر معشار منصوص نه اگرچه کلیه مسائل مهمه مذکور ولی البتّه یک کرور احکام غیر مذکور بود بعد علما بقواعد اصول استنباط نمودند و در آن شرائع اولیه افراد علما استنباطهای مختلف مینمودند و مجرا میشد حال استنباط راجع بهیئت بیت العدل است و استنباط و استخراج افراد علما را حکمی نه مگر آنکه در تحت تصدیق بیت عدل درآید و فرق همین است که از استنباط و تصدیق هیئت بیت عدل که اعضایش منتخب و مسلم عموم ملت است اختلاف حاصل نمیگردد ولی از استنباط افراد علما حکماً اختلاف حاصل شود و باعث تفریق و تشتت و تبعیض گردد و وحدت کلمه بر هم خورد و اتحاد دین الله مضمحلّ شود و بنیان شریعت الله متزلزل گردد

اما امر نکاح بکلی از احکام مدنیّت است و معذک در شریعت الله شروطش وارد و ارکانش واضح ولی اقتران اقارب غیر منصوص راجع بیت العدل که بقواعد مدنیّت و مقتضای طبّ و حکمت و استعداد طبیعت بشریّت قراری دهند و شبههئی نیست که بقواعد مدنیّت و طبابت و طبیعت جنس بعید اقرب از جنس قریب و نظر باین ملاحظه در شریعت عیسویّه با وجود آنکه نکاح اقارب فی الحقیقه جائز چه که منعش منصوص نه معذک مجامع اولیّه مسیحیه بکلی ازدواج اقارب را تا هفت پشت منع کردند و الی الآن در جمیع مذاهب عیسویّه مجرا زیرا این مسئله صرف مدنی است

باری آنچه بیت العدل در این خصوص قرار دهند همان حکم قاطع و صارم الهی است هیچ کس تجاوز نتواند چون ملاحظه نمائید مشهود گردد که این امر یعنی ارجاع احکام مدنیّه بیت العدل چه قدر مطابق حکمت است زیرا وقتی مشکلی حاصل گردد که امر الجائی در مسئله‌ئی رخ گشاید آن وقت بیت العدل چون قرار سابق را داده بود باز بیت العدل خصوصی بجهت الجائات ضروریّه میتواند در مورد و موضع مخصوص امر جدید خصوصی صادر نماید تا دفع محذور کلی شود زیرا آنچه بیت العدل قرار دهد فسخ نیز تواند در فرقان نیز مسئله تعزیر بوده که راجع باراده اولی الامر بود خصوصی در درجات تعزیر نبود مرهون و منوط برای ولیّ امر و آن تعزیر از درجه عتاب تا درجه قتل بوده که مدار سیاست در ملت اسلام اکثر بر این بود

باری این کور اعظم اساسش بر نهجی گذاشته شده است که احکامش مطابق و موافق جمیع اعصار و دهور چون شرائع سلف نه که حال اجرائش ممتنع و محال است مثلاً ملاحظه نمائید که احکام توریة الیوم بهیچ وجه اجرائش ممکن نه چه که ده حکم قتل در آن موجود و همچنین بموجب شریعت فرقان بجهت ده درم سرقت دست بریده می شود حال اجرائی این حکم ممکن لا والله اما این شریعت مقدّسه الهیّه موافق جمیع اوقات و ازمان و دهور و کذلک جعلناکم امّة وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً

اشعار بلیغه و ابیات فصیحه که بمضامین ملیحه تنظیم شده بود قرائت و تلاوت گردید فی الحقیقه سزاوار ترتیل در محافل توحید است و البهّاء علیک ع ع